

دکتر محمدجواد مهدوی، استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی
مشهد

mahdavy@um.ac.ir

09151595526

مجتبی عبداللهی، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

Mojtabaabdollahi795@gmail.com

رباعی - مستزاد؛ پیدایش و سرایندگان

چکیده

رباعی - مستزاد قالبی شعری است که از ترکیب یک رباعی با افزوده‌هایی موزون و قافیه‌دار پس از هر مصرع تشکیل شده است. نوع کم‌کاربردی از این قالب نیز مشاهده شده است که قسمت مستزاد پس از هر بیت رباعی آمده است. نخستین نمونه‌ی رباعی - مستزاد را به ابوسعید ابوالخیر نسبت داده‌اند و اگر این انتساب درست باشد، می‌توان او را مبدع این قالب دانست. پس از او شاعران دیگری همچون مسعود سعد، خواجه‌ی کرمانی، ابن یمین فریومدی و دیگران در این قالب طبع‌آزمایی کرده‌اند، اما در هر حال تا قرن دهم هجری این قالب چندان مورد استفاده‌ی شاعران قرار نگرفته است و عمده‌ی شاعران آن متعلق به قرن دهم به بعد می‌باشند. در این میان از کسانی همچون اهلی شیرازی، عبدالله خان ازبک، غضنفر کلجاری و رفیعی کاشانی می‌توان نام برد. در دوره‌ی مشروطه بار دیگر استفاده از این قالب به‌ویژه توسط نسیم شمال رونق گرفت و از آن برای بیان مضامین اجتماعی و انتقادی استفاده شد، در حالی که تا پیش از آن از این قالب بیشتر به منظور هجو و هزل یا تفنن و هنرنمایی بهره می‌گرفته‌اند، هرچند مضامینی همچون حکمت و وعظ یا رجز نیز در این قالب سروده می‌شده است. در دوره‌ی معاصر نیز کسانی همچون نیمایوشیج و قیصر امین‌پور در این قالب شعر سروده‌اند.

کلیدواژه‌ها: رباعی - مستزاد، ابوسعید ابوالخیر، نسیم شمال، هجو، هزل، انتقاد اجتماعی

رباعی - مستزاد؛ پیدایش و سرایندگان

درآمد

پژوهش‌ها درباره‌ی قالب مستزاد اقناع‌کننده نیست. این قالب بیشتر در مقالاتی بررسی شده است که به شعر دوره‌ی مشروطه و طنز در شعر فارسی پرداخته‌اند. در این مقالات فقط نمونه‌هایی از مستزاد آمده است و کاری پژوهشی درباره‌ی سیر تحول آن انجام نگرفته است. استثنایی در این باره مقاله‌ی «نظری به مستزاد در شعر فارسی» نوشته‌ی فرامرز گودرزی است. نویسنده‌ی این مقاله مستزاد را حاصل نوجویی‌های شاعران و یکی از نوآوری‌های آن‌ها در شکل ظاهری شعر می‌داند و پس از آن به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازد و در میان نمونه‌ها توضیحاتی می‌گنجاند (گودرزی، ۱۳۵۳: ۴۲-۳۶). محمد حسین شفیعیان در «یک مستزاد و دو جواب»، غزل مستزاد عبدالله اتابکی و دو جواب حسن وثوق‌الدوله و رشید یاسمی بر آن را آورده و آن را نمونه‌ای از ارتباطات سخنوران فارسی‌گوی می‌داند (شفیعیان، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۷۷). کتاب‌های انواع ادبی و دیگر کتاب‌هایی که به معرفی قالب‌های شعر اختصاص دارند نیز به ذکر تعریف و نمونه‌هایی اندک از این قالب بسنده کرده‌اند و در هیچ کتاب و یا مقاله‌ای تغییرات و تحولات این قالب شعری به‌طور دقیق مطالعه و بررسی نشده است. در صفحات وب هم وضع به همین ترتیب است یعنی یا نمونه‌ای از آن نقل شده و یا ذیل قالب‌های شعری به معرفی این قالب پرداخته شده است و اغلب نقل مطلب از اولین سایت و یا وبلاگ مطرح‌کننده‌ی موضوع انجام گرفته است. البته در این بین درباره‌ی رباعی - مستزاد به‌طور خاص بحثی نشده است.

«مستزاد در لغت به معنی «زیاده شده» و «افزون شده» می‌باشد و در اصطلاح عبارت از نوعی شعر است که در آخر هر مصراع از رباعی یا غزل یا قطعه [یا مثنوی] و امثال آن، [عبارت و یا] جمله‌ای کوتاه و مسجع بیفزایند که در معنی با آن مصراع مربوط باشد و به نوعی معنی آن را کامل‌تر سازد، اما از وزن اصلی شعر خارج و زاید باشد و به همین جهت آن را مستزاد نامیده‌اند» (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۵۰۴).

علی اکبر دهخدا درباره‌ی این قالب می‌نویسد: «قصیده یا قطعه یا رباعی و جز آن که در دنبال هر مصراع از آن، مصراع‌ی به وزن کوتاه‌تر به همان قافیه بیاید، را مستزاد گویند» (دهخدا، ۱۳۳۷: ذیل مدخل مستزاد).

در مستزاد شعر بدون قسمت افزوده شده کامل است به این معنی که اگر مستزاد باشد یا نباشد معنی بیت موقوف بر آن نباشد و آن قسمت قابل حذف می‌باشد اما رعایت شرط قافیه و تناسب معنایی بخش مستزاد با شعر اصلی لازم است. البته نمونه‌هایی هست که بخش افزوده شده از لحاظ معنایی نیز کاملاً وابسته به بخش اصلی شعر است و قابل حذف نیست. مثلاً در مستزاد زیر منسوب به مسعود سعد که در مدح سلطان مسعود گفته، عبارت افزوده شده مکمل بخش اصلی شعر و وابسته‌ی به آن است و نمی‌توان آن را حذف کرد، زیرا با حذف آن شعر ناقص می‌شود:

ای کامکار سلطان انصافِ تو به کیهان	گشته عیان
مسعود شهریاری، خورشید نامداری	اندر جهان
ای اوج چرخ جای گیتی ز روی رایت	چون بوستان

(مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۵۶۱)

پیشینه‌ی مستزاد و مستزادگویی کاملاً مشخص نیست و پیش از دوره‌ی سلجوقی نشانی از مستزادگویی نیست و بیشتر نمونه‌های این قالب شعری در آثار شاعران قرن ده به بعد دیده می‌شود، تنها در اشعار منسوب به ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ق) مستزاد دیده شده است^۱، که اگر این نسبت درست باشد می‌توان پیشینه‌ی قالب مستزاد را به زمان ابوسعید باز برد. در آغاز دوره‌ی مشروطه مستزاد برای بیان مضامین اجتماعی و سیاسی و نقد کاستی‌ها در این زمینه‌ها بسیار مورد استفاده قرار گرفت و به‌ویژه سید اشرف‌الدین حسینی (متوفی ۱۳۱۲

۱. علاوه بر رباعی - مستزادی که از وی خواهد آمد، شمیسا (۱۳۸۳: ۳۱۳) مفرد مستزادی نیز از وی ثبت کرده است. و علاوه بر این‌ها رزمجو (۱۳۸۲: ۵۴) یک رباعی - مستزاد دیگر نیز به نام وی نوشته است.

ش) نمونه‌های متعددی از این نوع شعر را در روزنامه‌ی خود (نسیم شمال) منتشر کرد و خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مستزادسرایان ادب فارسی مطرح کرد. دیگر مستزادگویان در میان متقدمین عبارتند از: مسعود سعد سلمان، عطار نیشابوری، ابن یمین فریومدی، مولوی، امیر خسرو دهلوی، ملا علی عالی، ابن حسام هروی و ... و در میان متأخرین عبارتند از: مشتاق اصفهانی، ملک‌الشعراى بهار، نیما یوشیج، اسماعیل آتشی، سید محمد اجتهادی، فیض‌الله حیدری نهاوندی، ناصر چولائی و کیلی، محمد صادق تفکری، سید غلامرضا روحانی، بهرام رضوی‌فر، میرزا علی اکبر صابر (متوفی ۱۹۱۱م)، خواجه محمود تربتی، علی آقا واقف (عالم) و پدرش (ملا پناه واقف)^۱ و

همان‌طور که در تعریف مستزاد گفتیم در انواع قالب‌های شعری از جمله رباعی، غزل، قطعه و مثنوی می‌توان مستزاد را دید. حتی در شعر نو نیز نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود (گودرزی، ۱۳۵۳: ۴۰). آنچه ما در این پژوهش قصد بررسی آن را داریم **رباعی- مستزاد** است که ضمن ذکر نمونه‌هایی از آن، سراینده‌گان آن، زمینه‌های سروده شدن و موارد کاربرد آن، شکل‌های مختلف آن، مفاهیم بیان شده در آن و سیر تحول آن را بررسی خواهیم کرد.

رباعی - مستزاد

رباعی - مستزاد را می‌توان چنین تعریف کرد: رباعی‌ای است که یک عبارت و یا جمله‌ی نثری موزون و مسجع هماهنگ با قافیه و معنای آن بر هر مصراع و یا بیت آن افزوده شده باشد. پیشینه‌ی تحقیقات در این زمینه پر بار نیست و نمونه‌های آن به طور پراکنده در تذکره‌ها و دیوان‌های شاعران و صفحات وب دیده می‌شود. سیروس شمیسا در سیر رباعی فقط به تعریف آن پرداخته و چند نمونه از آن را با ذکر نام سراینده‌ی آن آورده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۲). در گام بعدی، اسحاق طغیانی و فاطمه جمالی در کتاب *گزیده‌ی سخن پارسی و دانش‌های ادبی*، بحثی در همان حد را به رباعی - مستزاد اختصاص داده و به تعریف و ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده کرده‌اند (طغیانی و جمالی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). در کتاب‌های انواع ادبی هم با چنین وضعی روبه‌رو هستیم.

انواع رباعی - مستزاد از نظر شکل دو نوع است: در نوع اول بر سر هر مصراع عبارتی افزوده می‌شود و مصراع‌های افزوده شده از نظر طرح قافیه عین خود رباعی هستند و مثلاً مصراع سوم آنها قافیه ندارد؛ همانند این رباعی - مستزاد از فخرالدین صفاهانی (معاصر پادشاه خاتون صفوه‌الدین - حاکم سال‌های ۶۹۴-۶۹۱ کرمان):

۱. علی آقا مستزادش را در جواب مستزاد پدرش گفته است (مجتهدزاده قره‌باغی، ۱۳۷۳: ۱۷۳).

رفتم به طیب و گفتمش بیمارم درمانم چیست
وز اول شب تا به سحر بیدارم بر من نگر است
نبضم چو طیب دید، گفت از سر لطف گریان گریان
جز عشق نداری مرضی، پندارم مطلوب تو کیست؟

(اوحدی بلینانی، ۱۳۸۸: ۲۷۸۴؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۹۸)

در نوع دوم رباعی - مستزاد برای هر بیت فقط یک عبارت اضافی می‌آورند و واژه‌های افزوده، با هم، قافیه دارند:

ای چشم سیاه تو بلای دل من مشتاق تو شد دلم برای دل من

برخیز و بیا

گر خواجه تو را روز رها می‌نکند آخر شبکی بهر رضای دل من

بگریز و بیا

(ابن یمین فریومدی؛ به نقل از شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۲)

خواجهوی کرمانی نیز رباعی - مستزادی بدین شکل دارد:

دوش آن پسر کوفته‌گر چون برخاست می‌کرد اشارتم که استاد اینجاست

یعنی بگذر

گفتم ز غمت رنگ رخم چون زر گشت گفتا که به سیم کار ما گردد راست

مانده زر

(گودرزی، ۱۳۵۳: ۳۷)

اما موارد کاربرد آن در دوران آغازین آن و در قرن‌های ۵ تا ۱۲ قمری بیشتر تفنّن ادبی و طیبیت و شوخی بوده و همچنین برای بیان مضامین عاشقانه، عاشقانه- عارفانه، مدح و هجو و تقاضا و مضامین فلسفی و تفکرآمیز به کار رفته است. در دوره‌ی مشروطه تحولات قابل توجهی در این قالب شعری همگام با کل جریان شعر فارسی پدید آمد و برای بیان مضامین طنز و انتقاد اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت.

با توجه به مطالب پیشین و یافته‌های ما در تذکره‌ها، مخترع این نوع ادبی را می‌توان شیخ ابوسعید فضل‌الله بن ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ق) دانست و سرایندگان رباعی - مستزاد پس از او به ترتیب تاریخی عبارتند از: فخرالدین صفاهانی (معاصر صفوه‌الدین ۶۹۴-۶۹۱)، امیر خسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵ ق)، خواجوی کرمانی (متوفی ۷۵۳ ق)، ابن یمین فریومدی (متوفی ۷۶۹ ق)، بسحق اطعمه (متوفی ۸۳۷ ق)، عبیدالله خان ازبک (معاصر هلالی جغتایی)، هلالی جغتایی (متوفی ۹۳۶ ق)، اهلی شیرازی (متوفی ۹۴۲ ق)، حکیم شرف‌الدین حسن شفایی صفاهانی (متولد ۹۶۸ ق)، شجاعی دماوندی (از شاعران متوسطین در عرفات‌العاشقین)، مولانا فانی بخاری (قرن ۱۰)، عبدالله خان اوزبک (متوفی ۱۰۰۶ ق)، غضنفر کلجاری (متوفی هزار و اندی)، جلال‌الدین اکبر (متوفی ۱۰۱۴ ق)، رفیعی کاشانی (متوفی ۱۰۲۵ ق)، بیدل دهلوی (متوفی ۱۱۳۳ ق)، محتشم خان حشمت بدخشانی (متوفی ۱۱۶۳ ق)، ملا علی عالی (معاصر واله داغستانی - متوفی ۱۱۷۰ ق)، مشتاق اصفهانی (متوفی ۱۱۶۹/۱۱۷۰ ق)، اختر (متوفی پس از ۱۲۷۳ ق)، نسیم شمال (متوفی ۱۳۱۲ ش)، نیما یوشیج (متوفی ۱۳۳۸ ش)، عارف جلالی (متولد ۱۹۲۶ م = ۱۳۰۴ یا ۱۳۰۵ ش) و قیصر امین پور (متوفی ۱۳۸۶ ش).

نمونه‌های رباعی - مستزاد:

در زیر به ذکر برخی از مهم‌ترین نمونه‌های رباعی - مستزاد همراه با ذکر نام سرایندگان آنها می‌پردازیم. در ذکر نمونه‌ها سعی شده ترتیب تاریخی رعایت شود تا سیر تحول این نوع ادبی بهتر نشان داده شود و توضیحات مناسب درباره‌ی موضوع، شکل قافیه و ... ذیل هر نمونه آمده است:

در تذکره‌ی هفت اقلیم رباعی - مستزاد زیر را مصحح کتاب به نام ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ق) ثبت کرده است:

دیشب زپی گلاب می‌گردیدم	در طرف چمن
پژمرده گلی میان گل‌ها دیدم	افسرده چو من
گفتم که چه کردی که چنین می‌سوزی	ای یار عزیز

گفتا که شبی درین چمن خندیدم پس وای به من

(رازی، ۱۳۷۸: ۵۴۰)

در این رباعی - مستزاد قسمت مستزاد خود از نظر قافیه یک رباعی جدید با مصراع‌های کوچک را تشکیل داده است و هماهنگ با رباعی اصلی نیست. این رباعی دارای نشئه‌ی تصوف است و ابوسعید آن را همچون بسیاری از اشعار متصوفه با هدف تذکر و هشدار برای مخاطبان خود سروده است

امیر خسرو دهلوی (متوفی ۷۲۵) در رباعی - مستزاد، تصرفی لطیف کرده و ایات را موقوف گردانیده و مستزاد را حامل^۱ ساخته است. در رباعی - مستزادی که از وی ذکر می‌کنیم، مصراع چهارم حامل است:

شاهی که به دور دولتش در طربم	چون من همه کس
ازبهر دوامش به دعا روز و شبم	در جمله نفس
هرچند که شاه شهر می‌بخشد زر	در گاه سخا
من بنده به تفویض ز شه می‌طلبم	یک ذره و بس

(مجمع‌الصنایع و جامع‌الصنایع؛ به نقل از رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۵۰۵)

رباعی - مستزاد زیر هم از بسحق اطعمه (متوفی ۸۳۷ ق) است:

یا رب به قطایفم مدور گردان	در خوان طرب
وز نر عسل دلم مدور گردان	چون شمع امشب
رزق من شیرین سخن چرب‌زبان	بی رنج و تعب
از شکر و بادام میسر گردان	آمین یا رب

۱. حامل بدین معنی است که قسمت مستزاد از نظر معنی به مصراع پیش از خود وابسته باشد نه اینکه فقط با آن هم‌قافیه باشد.

(بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۴۱۰)

در شعر بسحق بر خلاف نمونه‌های دیگر، هر چهار عبارت مستزاد دارای قافیه واحد هستند. از نظر موضوع نیز این شعر با بقیه‌ی اشعار او هماهنگ است که با موضوع غذاها نیشخندی تلخ را بر لبان خواننده می‌نشانند. در این رباعی - مستزاد، قسمت مستزاد از نظر معنی جدای از رباعی اصلی است و شعر بدون افزوده‌ها کاملاً معنادار است. بسحق همانند دیگر اشعارش از قدرت شعر در طنز با استفاده از نام غذاها بهره برده است و همین نکته نوآوری او در مضمون این قالب شعری است.

در دو نمونه‌ی زیر، از رباعی - مستزاد برای تفنن و البته رجزخوانی در جنگ استفاده شده است و از نظر شکل قافیه قسمت مستزاد با رباعی اصلی هماهنگ است. رباعی اول از عبیدالله خان ازبک شیبانی (معاصر هلالی جغتایی متوفی ۹۳۶ ق) است. «در هنگام محاصره‌ی هرات توسط عبیدالله خان ازبک شیبانی در زمان شاه تهماسب یکم که [هنوز این شهر] جزئی از ایران بود، هلالی نیز در هرات بود. در آن زمان از سوی سپاه ازبک مستزادی به درون شهر فرستاده شد با این محتوا:

ای اهل هری ز خاص تا عام شما	از شاه و گدا
دانم که به هم خورد سرانجام شما	از لشکر ما
چون باعث صلح خواجه اسحاق شده	یعنی که بود
گبری بهتر ز شیخ الاسلام شما	در مذهب ما

هلالی (هلالی جغتایی - متوفی ۹۳۶) در پاسخ، این رباعی - مستزاد را برای آنها می‌فرستد:

ای شهره شده به ظالمی نام شما	از شاه و گدا
آزار بود ز اهل دین کام شما	این هست روا
بستید بر اولاد علی نان و نمک	چون قوم یزید
صد لعنت معبود بر اسلام شما	در مذهب ما»

(قمی، ۱۳۵۹: ۱۹۴-۱۹۳).

یکی دیگر از سراینندگان رباعی - مستزاد، شجاعی دماوندی (مولانا سیف‌الملوک که دماوندی الاصل بوده و شجاعی تخلص می‌کرده) است. او «وقتی که معالجه‌ی میر سید محمد جامه‌باف می‌نموده، میر از روی طیبت قطعه‌ای جهت وی گفته و وی نیز جواب آن را داده است و بعد از چند وقت بر اثر آن این رباعی - مستزاد را گفته و برایش فرستاده است:

ای میر دو من عقیده چون می‌گنجد	در معده سست
در می‌گنجد نریده چون می‌گنجد	ز ادخال نخست
لوحی که درو رباعی جا نکند	از خط غبار
خود گو که درو قصیده چون می‌گنجد	از ثلث درست

(رازی، ۱۳۷۸: ۱۲۳۷)

شجاعی نیز از قسمت‌های مستزاد یک رباعی جدید با مصراع‌های کوچک ساخته است بدین ترتیب که از نظر قافیه با رباعی اصلی هماهنگ نیست. همان‌طور که در توضیحات آغازین برای این رباعی گفتیم آن را از روی طیبت گفته است و ضمناً حسن طلبی هم در آن دیده می‌شود.

مولانا فانی بخاری (شاعر قرن دهم هجری) نیز رباعی - مستزادهایی سروده است که بیشتر برای آزمودن طبع خویش و قدرت‌نمایی در شاعری بوده و نویسنده‌ی تذکره *مذکر احباب* توضیحات مفیدی درباره‌ی جنبه‌های مختلف آن‌ها نوشته است و ما نیز به ذکر توضیحات او اکتفا می‌کنیم: «به جهت طبع‌آزمایی این رباعی - مستزاد را گفته:

دی در دلم آن بدخو مهرش افزود	آری از جان
سوی دلم آن نیکو، رخساره گشود	بی شک و گمان
غیر دلم آن دلجو با کس ننمود	آن رخ پنهان
فانی آخر از تو دل را بر بود	بنگر به چه سان

اگر مستزاد آخر را با مصراع اول، و مستزاد اول را با مصراع دوم، و مستزاد دوم را با مصراع سوم، و مستزاد سوم را با مصراع چهارم ضم کنند ایضاً رباعی با مستزاد حاصل می‌شود چنان که در لفظ و معنی هیچ خللی و نقصانی نباشد. هو هذا:

بنگر به چه سان دی در دلم آن بدخو مهرش افزود آری از جان سوی دلم آن نیکو، رخساره گشود

بی شک و گمان غیر دلم آن دلجو با کس ننمود آن رخ پنهان فانی آخر از تو دل را بربود

رباعی - مستزاد دیگری نیز از او نقل کرده است:

«خواهم نظری پنهان در روی نگار با چشم پر آب

آرم نعم بر خوان در مجلس یار با جسم کباب

دارم طلب افغان مانند هزار با چنگ و رباب

اشکم شفق ریزان چون دانه نار در بزم شراب

چون مستزاد چهارم به این رباعی وصل کرده شود، به تحلیل و ترکیب مصراع اول رباعی ثانی حاصل می‌گردد و آنچه از مصراع اول می‌ماند، مستزاد همان مصراع می‌گردد. و باقی را بدین قیاس می‌باید کرد:

در بزم شراب خواهم نظری پنهان در روی نگار

با چشم پر آب آرم نعم بر خوان در مجلس یار

با جسم کباب دارم طلب افغان مانند هزار

با چنگ و رباب اشکم شفق ریزان چون دانه نار

رباعی - مستزاد زیر را اهلی شیرازی (متوفی ۹۴۲ ق) سروده است:

این مغیجگان به ما ملامت چه کنند بی جرم و خطا
ما را به در از کوی سلامت چه کنند از راه جفا
امروز اگر کشند ما را به ستم وز پیش برند
فردا که بود روز قیامت چه کنند ماییم و شما

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۲: ۷۱۳)

اهلی نیز با قسمت‌های مستزاد- از نظر شکل قافیه- رباعی‌ای جدید با مصراع‌های کوچک ساخته است. رباعی اصلی بدون مستزادها معنادار است و با توجه به موضوع آن به نظر می‌رسد که دو بیت آغازین یک غزل باشد که اهلی از آن یک رباعی- مستزاد ساخته است. موضوع آن عشق و به‌طور جزئی‌تر تسلیم بودن عاشق در برابر معشوق است که برابر با موضوع غزل می‌باشد.

حکیم شرف‌الدین حسن شفقایی صفاهانی (متولد ۹۶۸ ق) نیز رباعی- مستزادی سروده است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۲۰۳۲) که موضوع آن هجو است و از لحاظ اخلاقی قابل ذکر نیست. این شاعر نیز همانند ابوسعید و بسحق اطعمه با قسمت مستزاد رباعی‌ای با مصراع‌های کوچک ساخته که از نظر قافیه با رباعی اصلی هماهنگ نیست. وی باید آن را در هجو یکی از شاعران زمانش گفته باشد که به قول تقی اوحدی وی را هجو کرده است (همان: ۲۰۲۵).

نمونه‌ای دیگر از جواب‌گویی‌ها با رباعی- مستزاد^۱، از جلال‌الدین اکبر پادشاه و عبدالله خان اوزبک است بدین ترتیب که جلال‌الدین اکبر پادشاه (متوفی ۱۰۱۴ ق) رباعی- مستزاد زیر را گفته و به عبدالله خان اوزبک فرستاده بود:

عمرم همه در فراق و هجران بگذشت با درد و الم
این عمر گرنامه‌ی چه ارزان بگذشت در رنج و ستم

۱. برای مشاهده‌ی نمونه‌ای دیگر از این جواب‌گویی‌ها بین ابوسعید و شاه نعمت‌الله ولی ر.ک: محمدی فشارکی، ۱۳۸۴: ۲۰۷.

عمری که نشد صرف سمرقند و هری با عیش و طرب

افسوس که در آگره ویران بگذشت با غصه و غم^۱

(حالت، ۱۳۴۶: ۲۸۸؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۲۳)

و عبدالله خان اوزبک (متوفی ۱۰۰۶ ق) در جواب او گفته است:

مرغ هوست به دهر بی بال و پرست در خود بستیز

دریای خیالِ طمعت بی گهرست از خود برخیز

در ملک سمرقند و هری شیرانند ای خام طمع

در آگره و لاهور ترا صد خطرست زنهار گریز

(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۸: ۲۵۹۱)

در رباعی - مستزادهای این دو نیز قسمت افزوده شده موازی با رباعی اصلی و از نظر شکلی یک رباعی مستقل با مصراع‌های کوچک است. مستزادها از لحاظ معنایی مستقل و قابل حذف می‌باشد. موضوع آن هم مناظره است و افسوس جلال‌الدین اکبر پادشاه بر عمر هدر رفته دور از سرزمین خودش یعنی سمرقند و هرات در شهرهای هند است و عبدالله خان اوزبک که با او دشمنی داشته، این افسوس او را حاصل اشتباه خود وی دانسته و با لحنی تهدیدآمیز او را به ترک هند سفارش نموده است.

غضنفر کلجاری^۲ (متوفی هزار و اند) رباعی - مستزاد زیر را سروده است:

با نشئه تریاک غضنفر می‌باش تا وقت هلاک

فربه نشود تن تو، لاغر می‌باش می‌خور تریاک

۱. دکتر محمد ریاض انتساب این رباعی از سوی واله داغستانی به اکبر پادشاه را نادرست و آن را سروده‌ی بابر می‌داند (ریاض، ۱۳۵۴: ۶۸).

۲. کره جاری / کله جاری: قلعه‌ای نزدیک کاشان (رازی، ۱۳۷۸: ۱۰۹۴). بلیانی سال فوت وی را هزار و اند نوشته است (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۳۰۲۰).

تریاک اگر کند تنت را چو هلال دل دار قوی

گو طعمه مور و مار کمتر می‌باش در عالم خاک

(واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۴۳)

غضنفر این شعر را به گونه‌ای سروده که تشخیص این که قسمت مستزاد از لحاظ معنایی جدای از رباعی اصلی است یا وابسته‌ی به آن، دشوار به نظر می‌رسد.

رفیعی کاشانی (متوفی ۱۰۲۵):

دیشب رخ خورشیدمثالی دیدم بی شرم و حجاب

چون ذره به گرد سر او گردیدم بی وهم عتاب

حاصل که به کام خویشتن تا دم صبح در گلشن وصل

می‌گشتم و گلهای هوس می‌چیدم اما در خواب

(گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۴۶۷)

رباعی - مستزاد زیر در کتاب مباحثی در صورتها و معانی شعر کهن و نوی پاریسی از سراینده‌ای نامشخص آمده و مؤلف، آن را به طریق متقدمان دانسته است (رستگار فسایی، ۱۳۷۳: ۵۰۴) اما در صفحات وب به نام بیدل دهلوی (متوفی ۱۱۳۳ ق) ثبت شده بود، ولی آن را در کلیات بیدل دهلوی نیافتیم. به هر حال رباعی - مستزاد مذکور این است:

یک چند پی زینت و زیور گشتیم در عهد شباب

یک چند پی کاغذ و دفتر گشتیم خواندیم کتاب

چون واقف از این جهان ابتر گشتیم نقشی است بر آب

دست از همه شستیم و قلندر گشتیم ما را دریاب

<http://www2.irib.ir/radio/adab/2Sher/rozaneh/f5mostazad.htm>

در این رباعی - مستزاد نیز چون بیشتر نمونه‌های پیشین قسمت افزوده شده جدای از رباعی اصلی تشکیل یک رباعی با مصراع‌های کوچک می‌دهد، با این تفاوت که هر چهار مستزاد قافیه‌ی هماهنگی دارد. رباعی اصلی نیز برخلاف شکل اصلی قالب رباعی دارای قافیه‌ی هماهنگ در هر چهار مصراع است و از این نظر ما با یک رباعی - مستزاد جدید مواجه هستیم. قسمت‌های افزوده شده از لحاظ معنایی می‌تواند مستقل از رباعی اصلی باشد با وجود این که وابستگی شدیدی نیز به رباعی اصلی دارد و در آن‌ها توضیحاتی گنجانده شده که مکمل معنایی بسیار خوبی برای رباعی اصلی هستند. شاعر در آن حاصل شناخت خود از دنیا را بیان کرده و یافته‌های خود را در عبارت «نقشی است بر آب» خلاصه کرده است و همین مطلب را دلیل انزوای خود از خلق دانسته است.

محتشم خان حشمت بدخشانی (متوفی ۱۱۶۳) رباعی - مستزاد زیر را با موضوع عشق و محرومیت خود از وصال به معشوق خویش سروده و حسرت خود به موقعیت ابزارهایی که در اختیار معشوقش هستند را بیان کرده است:

آئینه به بزم دلگشای تو رسد	ای جان نگاه
هم شانه به زلف مشکسای تو رسد	ما را چه گناه
ما خاک شویم و سرمه منظور افتد	داغیم ز رشک
دل خون شود و حنا به پای تو رسد	سبحان الله

(گوپاموی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

رباعی زیر سروده میر عبدالولی عزت سورتی (متوفی ۱۱۸۹ق) است و چنین پیداست که در سرودن آن به رباعی حشمت بدخشانی نظر داشته است:

پیمانہ به بوسه لبان تو رسد ای عشوه پناه

هم پنجهٔ بهله^۱ تا میان تو رسد دستم کوتاه

خمیازه کشم من و کهان همدوشت از رشک خمم

من سوزم و قلیان به دهان تو رسد الله الله

(گودرزی، ۱۳۵۳: ۳۷)

در دو رباعی - مستزاد محتشم خان و عزت سورتی نیز مستزادها یک رباعی جدید با مصراع‌های کوچک را می- سازند و موضوع هر دو نیز یکی است با این تفاوت که معشوق محتشم درخور احترام بیشتری بوده است.

دیگر از سراینندگان این نوع ادبی ملا علی عالی (معاصر واله داغستانی متوفی ۱۱۷۱ق) است. رباعی - مستزاد وی را در زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

خوبان به فرنگِ حسن چون روآرید کان شهر شماست

دارم به شما وصیّتی نگذارید از کف که خطاست

دل نام جگرگوشه‌ای از من آنجا وقتی شده گم

گر زنده بیابید عزیزش دارید کز مصر وفاست^۲

(واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۰۱)

همچنان‌که می‌بینیم قسمت مستزاد از نظر شکل قافیه با رباعی اصلی هماهنگ است؛ یعنی افزوده‌های ۱، ۲ و ۴ هم قافیه و افزوده‌ی سوم همانند مصراع سوم رباعی از نظر قافیه با بقیه‌ی افزوده‌ها و مصراع‌ها هماهنگ نیست. افزوده‌ی دوم و سوم از نظر معنایی به طور مستقیم وابسته به بخش اصلی و مکمل مصراع‌های رباعی است و به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد اما افزوده‌های ۱ و ۴ از نظر معنی کاملاً جدا از شعر اصلی و قابل حذف است.

میر سید محمد علی مشتاق اصفهانی (متوفی ۱۱۶۹ یا ۱۱۷۰ ق) رباعی - مستزاد زیر را سروده است:

۱. دستکش

۲. ملا علی عالی این رباعی مستزاد را در اکثر قطعات و صفحاتی که - پس از واقعه‌ی گم شدن پسر چهارده ساله‌اش در سفر از اصفهان به همدان (پس از استیلای افغانه بر اصفهان) - می‌نوشت، به خط نستعلیق جلی می‌نوشت (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۵۰۰).

گر نرد فسون به من نبازی چه شود	ای شعبده‌باز
با بلبل خویش اگر بسازی چه شود	ای گلبن ناز
تو خواهی من، منم کمین بنده تو	یک بار ز لطف
گر بنده خویش را نوازی چه شود	ای بنده‌نواز

رباعی - مستزادی دیگر از مشتاق:

گیرم که به مال و زر کسی قارون شد	مرگ است ز پی
یا آن که به علم و دانش افلاطون شد	کو حاصل وی
اندوخته‌ام ز کف همه بیرون شد	کو ناله‌ی نی
ز اندیشه‌ی کونین دلم پر خون شد	کو ساغر می

(شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۱۳)

در رباعی اول مشتاق مستزادها و رباعی اصلی دارای سه قافیه‌ی هماهنگ هستند و افزوده‌ها قابل حذف‌اند و موضوع آن عشق است. اما در رباعی - مستزاد دوم وی چهار قافیه‌ی هماهنگ در رباعی اصلی و مستزادها دیده می‌شود و قسمت‌های افزوده جوابی بر فرضیات مطرح شده در هر مصراع رباعی اصلی هستند و قابل حذف نمی‌باشند. رباعی - مستزاد دوم خواننده را به تفکر در موضوعات فلسفی مطرح شده در خود وادار می‌کند و البته با دیدی خیامی غنیمت شمردن دم را توصیه می‌کند.

رباعی - مستزاد زیر را قاضی محمد صادق خان متخلص به اختر (متوفی پس از ۱۲۷۳ ق) سروده است:

کرد صید دل من باز به طرز دگری	ترک ناوک نظری
سرکشی، نازفروشی، ز خدا بی خبری	نامسلمان پسری

شاهد هوروشی، دلبر عالی منشی

میرزائی روشی

کعبه رویی، به حریم دل ما جلوه‌گری

از همه خوب‌تری

(صبا، ۱۳۴۳: ۴۳)

در رباعی - مستزاد اختر تمام مصراع‌های رباعی و مستزاد هم‌قافیه‌اند و رباعی اصلی پس از حذف مستزادها نیز معنادار است و خللی در آن ایجاد نمی‌شود.

در سیر رباعی - مستزاد به یکی از بزرگ‌ترین مستزادسراها می‌رسیم که این نوع ادبی را در خدمت بیان حرف مردم و انتقاد اجتماعی قرار داده است. این شخص سید اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال (متوفی ۱۳۱۲ ش) است که از رباعی - مستزاد نیز در بیان همان اهداف استفاده کرده است. رباعی - مستزاد زیر را در میان اشعار وی دیده می‌شود که با مقدمه‌ای آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

وی پس از کودتای ۱۲۹۹ ش احساس کرد که دیگر تهران جای او نیست. در سال ۱۳۰۵ او باش به خانه‌ی او که در مدرسه‌ی صدر بود حمله کردند و آنچه را داشت به یغما بردند. با از دست رفتن دارایی و اندوخته‌ای که تنها منبع گذران زندگی وی بود، او دیگر نمی‌توانست در تهران بماند و دلش هوای نجف و کربلا داشت. رباعی - مستزاد زیر گویای این حالات او و دربردارنده‌ی نقد اجتماعی او در این مورد است:

مانده در کشور تهران ز غم و غصه اسیر

اشرف‌الدین فقیر

هست دایم به خیال نجف و کرب و بلا

وکلا ای وکلا

حیف از مدرسه بردند و جوهاتم را

جمله اوقاتم را

رفت بر باد همه زحمت با چون و چرا

وکلا ای وکلا

(همایش بزرگداشت سید اشرف‌الدین حسینی، ۱۳۸۴: ۳۲۷-۳۲۶)

از دیگر معاصرین ما نیما یوشیج (متوفی ۱۳۳۸ ش) نیز در این قالب شعری و طبع‌آزمایی کرده و اخوان ثالث رباعی - مستزاد زیر را از وی نقل کرده است:

عید آمد و کارها نکو خواهد کرد	چون روی عروس
ساقی می لعل در سبو خواهد کرد	چون چشم خروس
افسوس نماز و ... روزه	یک بار دگر
عید از سر این ... ان فرو خواهد کرد	افسوس افسوس

(اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۵۵)

نیما علی‌رغم نوجویی‌هایش در قافیه و قالب شعر، رباعی - مستزادش را به شیوه‌ی شاعران متقدم سروده و با مستزادها یک رباعی جدید ساخته است که از نظر قافیه متفاوت و ناهماهنگ با رباعی اصلی است. قسمت‌های افزوده شده وابسته به رباعی نیست و می‌تواند حذف شود. نیما آمدن عید را نوید می‌دهد ولی گویا از این‌که عید (نوروز) با ماه رمضان هم‌زمان شده است، افسوس می‌خورد.

رباعی زیر سروده‌ی دوست محمد عارف جلالی (متولد ۱۹۲۶ م) است:

یک ذره ناچیز شود چون پهنا	صحرا صحرا
یک قطره‌ی بی‌مایه چو گردد یک‌جا	دریا دریا
دیدیم و شنیدیم بسی سرّ جهان	حیران حیران
ماییم و غم هزار دنیا دنیا	تنها تنها

(سرهنگ خواجه عبدالرشید، ۱۳۴۶: ۴۳۱)

همان‌طور که مشاهده می‌شود عارف جلالی برخلاف سراینده‌گان رباعی - مستزاد تا زمان خود هماهنگی بیشتری در مستزادها با رباعی اصلی برقرار کرده و علاوه بر هماهنگی قافیه‌ی سه مصراع هم‌قافیه در رباعی، قافیه‌ی مستزاد سوم را با مصراع سوم هماهنگ نموده است. با توجه به این‌که در رباعی - مستزادهای پیشین چنین کاری انجام نشده بود، می‌توان آن را ابتکار عارف جلالی و تغییری از وی در این قالب شعری دانست. کاری که همان‌طور که خواهیم دید قیصر امین پور (متوفی ۱۳۸۶ ش) نیز تکرار کرده است. موضوع رباعی وی بیان

وضعیت انسان در دنیا است و تفکر برانگیز است که از این حیث می توان آن را رباعی - مستزاد فلسفی نامید. این رباعی - مستزاد را در صفحات وب یافتیم ولی در مجموعه کامل اشعار قیصر امین پور (امین پور، ۱۳۸۸) نیامده است. صاحب وبلاگ - سید احمد میرزاده - ذیل این رباعی - مستزاد تو ضیح داده که: «من شعرهایی از زنده یاد قیصر امین پور بدم که در هیچ یک از کتاب هایش نیست. شاید از نظر خود آن بزرگوار، این شعرها باید حذف می شده اند. اما در مجلات و جنگ های دهه ی اول انقلاب به کرات به چاپ رسیده اند و بعضی از آنها بسیار زیبا هستند. نمی دانم باز انتشار این شعرها چقدر درست یا نادرست است. مثل این رباعی مستزاد:

گفتم غزلی به نامت آغاز کنم آغاز نشد

با نام تو یاد خویش دمساز کنم دمساز نشد

گفتم که ز تنگنای این کهنه قفس تا هست نفس

پر باز کنم سوی تو پرواز کنم پر، باز نشد»

<http://seyyed-ahmad-mirzade.persianblog.ir/1389/5>

قیصر در این رباعی - مستزاد با قسمت های افزوده یک رباعی جدید ساخته و از این حیث کارش همچون برخی از پیشینیان است اما مستزاد سوم را با مصراع سوم رباعی هم قافیه آورده است و در این کار هم چون عارف جلالی عمل کرده است.

همچنان که ملاحظه شد رباعی - مستزاد از پیدایش تا امروز همواره در حال تغییر و تحول بوده و در قرون مختلف شاعران با ایجاد تغییری اندک در نوع قافیه سازی مستزادها با مصراع های رباعی اصلی و کاربرد آن در موضوعی خاص به گونه ای در سیر تحول آن نوآوری کرده اند.

حاصل سخن

قالب رباعی - مستزاد احتمالاً از قرن پنجم توسط ابوسعید ابوالخیر به وجود آمده اما از قرن ده به بعد سرودن آن در بین شاعران معمول شده است. از دو صورت این قالب شکل اول یعنی افزودن مستزادها به آخر هر مصراع شایع بوده است و بیشتر سراینده گان رباعی - مستزاد با قسمت های افزوده شده از نظر شکل قافیه یک رباعی جدید ساخته اند، ولی نمونه هایی که مستزادها از نظر قافیه با رباعی اصلی هماهنگ است نیز درخور

توجه می‌باشد. موضوع و کاربرد اصلی آن تفنن ادبی و طبع‌آزمایی بوده ولی برای اغلب موضوعات رایج در شعر چون هجو و هزل، وعظ و حکمت، مناظره و رجزخوانی، طنز و انتقاد اجتماعی و ... به کار برده شده است. بیشترین تغییرات در این قالب، در به‌کارگیری شکل قافیه بوده و تغییرات موضوعی کمتر رخ داده است.

منابع و مأخذ:

۱. اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۵۷)، *بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج*، توکا: تهران.
۲. اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد بن محمد، (۱۳۸۸)، *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، مقدمه تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر: تهران.
۳. اهلی شیرازی، (۱۳۴۴)، *دیوان اهلی شیرازی*، مصحح: حامد ربانی، کتابخانه ستایی: [تهران].
۴. امین پور، قیصر، (۱۳۸۸)، *مجموعه کامل اشعار: از شعرهای ۱۳۸۵-۱۳۵۹*، انتشارات مروارید: تهران.
۵. بخاری، سید حسن خواجه نقیب الاشراف، (۱۳۷۷)، *مذکر احباب* (ادب و فرهنگ فارسی در قرن دهم هجری)، مقدمه تصحیح و تعلیقات: نجیب مایل هروی، نشر مرکز: تهران.
۶. بهزادی اندوهجردی، حسین، (۱۳۷۸)، *طنز و طنزپردازی در ایران*، نشر صدوق: تهران.
۷. بیدل دهلوی، عبدالقادر، (۱۳۷۶)، *کلیات بیدل* (۲ جلد)، به کوشش اکبر بنداروند و پرویز عباسی داکانی، انتشارات امام: تهران.
۸. حالت، ابوالقاسم، (۱۳۴۶)، *شاهان شاعر*، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران: [تهران].
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۷)، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین، سازمان لغت‌نامه: تهران.
۱۰. رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، *تذکره هفت اقلیم* (۳ جلد؛ جلد دوم)، تصحیح تعلیقات و حواشی: سید محمد رضا طاهری (حسرت)، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش): تهران.
۱۱. رستگار فسایی، منصور، (۱۳۷۳)، *مباحثی در صورتها و معانی شعر کهن و نوی پارسی*، انتشارات نوید: شیراز.
۱۲. ریاض، محمد، (۱۳۵۴)، «ادبیات فارسی در شبه قاره هند و پاکستان»، *هنر و مردم*، سال ۵، شماره ۱۵۸، ۶۶-۶۹.
۱۳. سرهنگ خواجه عبدالرشید، (۱۳۴۶)، *تذکره شعرای پنجاب*، مدیر اقبال آکادمی: کراچی.
۱۴. شفیعیان، محمد حسن، (۱۳۸۳)، «یک مستزاد و دو جواب»، *بخارا*، شماره ۳۵، ۱۸۲-۱۷۷.
۱۵. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳)، *انواع ادبی*، نشر میترا: تهران.
۱۶. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، *سیر رباعی*، علم: تهران.
۱۷. صبا، مولوی محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، *تذکره روز روشن*، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن-زاده آدمیت، انتشارات کتابخانه رازی: تهران.

۱۸. طغیانی، اسحاق و جمالی، فاطمه، (۱۳۸۷)، *گزیده سخن پارسی و دانش‌های ادبی*، اسحاق طغیانی: اصفهان.
۱۹. قمی، قاضی احمد، (۱۳۵۹)، *خلاصه‌التواریخ* (۲جلد؛ جلد اول)، تصحیح احسان اشراقی، دانشگاه تهران: تهران.
۲۰. گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۹)، *کاروان هند* (۲جلد؛ جلد اول)، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی: مشهد.
۲۱. گوپاموی، محمد قدرت الله، (۱۳۸۷)، *تذکره نتایج الافکار*، تصحیح و تعلیق: یوسف بیگ باباپور، مجمع ذخائر اسلامی: قم.
۲۲. گودرزی، فرامرز، (۱۳۵۳)، «نظری به مستزاد در شعر فارسی»، *هنر و مردم*، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱، ۳۶-۴۲.
۲۳. مجتهدزاده قره‌باغی، میرزا صدرا، (۱۳۷۳)، *ریاض‌العاشقین*، ترجمه و تدوین: یحیی خانمحمدی آذری، چاپ و انتشارات آفرینش: تهران.
۲۴. محمدی فشارکی، محسن، (۱۳۸۴)، «شرح شیخ آذری بر حورائیه ابوسعید ابوالخیر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، دوره دوم، شماره ۴۱، ۲۲۸-۲۰۵.
۲۵. مسعود سعد سلمان، (۱۳۶۲)، *دیوان اشعار مسعود سعد سلمان*، تصحیح: رشید یاسمی، انتشارات امیر کبیر: تهران.
۲۶. مؤتمن، زین العابدین، (۱۳۷۱)، *تحول شعر فارسی*، کتابخانه طهوری: تهران.
۲۷. موبد محسنی، حسام‌الدین، (۱۳۶۹)، *گزیده اشعار شعرا (اشعاری از شعرا)*، نشر پارسا: تهران.
۲۸. واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی، (۱۳۸۴)، *ریاض‌الشعراء*، مقدمه تصحیح و تحقیق: محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر: تهران.
۲۹. همایش بزرگداشت سید اشرف‌الدین حسینی (۱۳۸۲: تهران)، (۱۳۸۴)، *شاعر مردم: یادنامه سید اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)*، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، سخن: تهران.

30. <http://www2.irib.ir/radio/adab/2Sher/rozaneh/f5mostazad.htm>

31. <http://seyyed-ahmad-mirzade.persianblog.ir/1389/5>